

An Analysis and Examination of Written Sources of Jewish Law and Sharia

Mohammad Reza Asadi  / Assistant Professor, Department of Religions and Mysticism, Imam Khomeini Educational and Research Institute

asadi@iki.ac.ir

Received: 2025/01/07 - **Accepted:** 2025/02/05 - **Published:** 2025/08/25

Abstract

"Legal religions" determine the limits, powers, and duties of believers in the form of a set of laws. "Religions have Sharia law", define the limits, rights, and duties of their followers within a framework of laws. Jurisprudence is a science responsible for identifying and expressing these laws, and jurisprudence sources are a group of texts, documents, and references that are used to extract, compile, and interpret these laws. Since behaviors in a religious community are regulated based on them and religious people consider themselves obligated to observe the rulings derived from them, sources of jurisprudence play a fundamental role in determining the frameworks and rules of religious behaviors. Now, given that religious Judaism has an extensive Sharia and has defined numerous frameworks in broad areas of Jewish life, we must see what the jurisprudential sources of this religion are and what status and credibility each one has? Using a descriptive-analytical method, this article answers this question and, by examining the written sources of Jewish jurisprudence, concludes that the Bible is the primary source of Jewish law and the Talmud is the second source after the Bible; the "Baritas" are supplementary sources, and the commentaries and canons are considered interpretative and operational sources of Jewish jurisprudence. These sources likewise have a level of religious credibility and together help to deduce Jewish laws.

Keywords: Jewish Jurisprudence, Jewish Law, Jewish Rulings, Jurisprudence Sources, Written Sources.

نوع مقاله: پژوهشی

تحلیل و بررسی منابع مکتوب فقه و شریعت یهودی

asadi@iki.ac.ir

محمد رضا اسدی  / استادیار گروه ادیان و عرفان مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی*

دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۸ - پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۷ - انتشار: ۱۴۰۴/۰۶/۰۳

چکیده

«ادیان دارای شریعت» حدود، اختیارات و تکالیف دین‌داران را در قالب مجموعه‌ای از قوانین تعیین می‌کنند. فقه دانشی متکفل شناسایی و بیان این قوانین است و منابع فقه دسته‌ای از متون، اسناد و مأخذی هستند که برای استخراج، تدوین و تفسیر این قوانین از آنها استفاده می‌شود. از آنجاکه رفتارها در جامعه دینی بر اساس آنها تنظیم می‌شود و دین‌داران خود را ملزم به رعایت احکام برآمده از آنها می‌دانند، منابع فقه نقشی اساسی در تعیین چهارچوب‌ها و ضوابط رفتارهای مذهبی دارند. اکنون با توجه به اینکه یهودیت دینی دارای شریعتی گسترده است و چهارچوب‌هایی فراوان در حوزه‌های وسیعی از زندگی یهودیان مشخص کرده، باید دید که منابع فقهی این دین چیستند و هریک از چه جایگاه و اعتباری برخوردار است؟ مقاله پیش رو با روش توصیفی - تحلیلی به این پرسش پاسخ می‌دهد و با بررسی منابع مکتوب فقه یهودی نتیجه می‌گیرد که کتاب مقدس منبع اصلی شریعت یهودی و تلمود دومین منبع پس از کتاب مقدس است؛ «باریتا»ها منابع تکمیلی‌اند و شروح و قانون‌نامه‌ها منابع تفسیری و عملیاتی فقه یهود به‌شمار می‌روند. این منابع به همین ترتیب از سطح اعتبار دینی برخوردارند و در کنار یکدیگر به استنباط احکام یهودی کمک می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: فقه یهودی، شریعت یهود، احکام یهودی، منابع فقه، منابع مکتوب.

مقدمه

منابع فقه مجموعه‌ای از متون، اسناد و مآخذی هستند که برای استخراج، تدوین و تفسیر قوانین و احکام دینی استفاده می‌شوند. این منابع نقشی اساسی در تعیین چهارچوب‌ها و ضوابط رفتارهای افراد در جوامع مذهبی دارند و از اهمیت بالایی برخوردارند. منابع فقه به فقیهان و عالمان دینی کمک می‌کنند تا احکام شرعی و فقهی را شناسایی کرده، علاوه بر استفاده در زندگی روزمره خود، آنها را در اختیار دیگر دین‌داران نیز بگذارند. هر دینی ممکن است منابع فقهی خاص خود را داشته باشد که متناسب با اصول و مبانی آن دین اعتبار یافته‌اند. اکنون با توجه به جایگاه شریعت در یهودیت و احکامی که از سوی عالمان این دین برای عمل به یهودیان اعلام و ابلاغ می‌شود، باید دید که چه متون، اسناد و مآخذی در فقه و شریعت یهودی به‌عنوان منبع مورد استناد قرار گرفته است و هریک از آنها از چه جایگاه و اعتباری برخوردارند؟

مقاله پیش رو با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی به بررسی جامع و دقیق منابع مکتوب فقه و شریعت یهودی می‌پردازد. هدف اصلی این پژوهش، شناسایی منابع معتبر فقهی در یهودیت و تحلیل و ارزیابی جایگاه و اعتبار هریک از آنهاست. در این راستا، به بررسی سؤالات اساسی در زمینه شناخت و تحلیل منابع فقهی یهودیت پرداخته می‌شود تا بتوان از رهگذر آن به درکی جامع و دقیق از ساختار و محتوای این منابع دست یافت.

پیش از این، اطلاعات مهمی در این زمینه در برخی از آثار ارائه شده است که از آن جمله می‌توان به کتاب گنجینه‌ای از تلمود، نوشته آبراهام کهن، کتاب سیری در تلمود، نوشته آدین اشتاین سالتز، کتاب راهنمای/ادیان زنده، نوشته جان راسل هینلز، کتاب خلاصه الفکر اليهودی عبر العصور، نوشته جوزف هرمن هرتس، دایرةالمعارف فقه مقارن، اثر ناصر مکارم شیرازی و مجموعه مقالات عدالت کیفری در آیین یهود، گردآوری حسین سلیمانی اشاره کرد. همان‌گونه که عناوین این آثار نشان می‌دهد، تقریباً هیچ‌یک از آنها متکفل بررسی مستقل و جامع بحث حاضر نیستند و هریک از آنها به جنبه‌هایی از این بحث و اغلب در سطوح عام آن پرداخته‌اند. نوآوری مقاله پیش رو بررسی مهم‌ترین منابع مکتوب فقه یهودی در یک مقاله علمی مستقل، همراه با اعتبارسنجی و نشان دادن جایگاه هریک از آنها در فقه این دین است.

۱. منابع فقه و شریعت یهودی

«فقه» در لغت به معنای علم به چیزی و فهم آن است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ماده «الفقه») و در اصطلاح عبارت است از «علم به احکام شرعی فرعی از ادله تفصیلی آن» (ابن شهید ثانی، ۱۴۱۴ق، ص ۲۶؛ طوسی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۲۱؛ هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۱۸). «فقه» دانشی برای به‌دست آوردن احکام عملی یا تکالیف دینی است. موضوع علم فقه افعال اختیاری مکلفین بوده و هدف از تدوین آن ارائه مسائلی برای سامان بخشیدن به زندگی دنیوی مکلفین و سعادت اخروی آنان است. برخی از فقیهان علم فقه را به «قانون زندگی و معاد و راه رسیدن به قرب پروردگار بعد از علم به معارف» تعریف کرده‌اند (موسوی خمینی، ۱۴۲۶ق، ص ۱۲) و درباره اهمیت و جایگاه علم فقه می‌فرمایند: «این علم، تئوری واقعی و کامل اداره انسان از گهواره تا گور است» (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۱، ص ۲۸۹).

ادیان دیگری غیر از اسلام نیز هستند که دارای شریعت‌اند و برای شیوه و حدود و ثغور عمل مؤمنان تکالیفی تعیین کرده‌اند. بی‌تردید شناخت و بیان این احکام در حوزه‌های مختلف و در شرایط گوناگون بر اساس اصول و قواعد مشخص و مورد قبول آن دین انجام می‌شود. این دانش در گفتمان اسلامی «فقه» نام گرفته و ممکن است در هر یک از ادیان دیگر نامی دیگر داشته باشد؛ اما از آنجاکه چنین دانشی در ادیان دیگر نظیر علم فقه اسلامی است و رسالتی مشابه را دنبال می‌کند، می‌توان با کمی تسامح بر آنها نیز عنوان «فقه» را اطلاق کرد؛ مانند «فقه یهود». بر این اساس در مقاله پیش رو با استفاده از اصطلاح «فقه یهود»، منابع مکتوب آن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

لازم به ذکر است که منابع معتبر یهودی برای فهم و استنباط احکام عملی، در دو دسته مکتوب و غیرمکتوب جای می‌گیرند. منابع مکتوب فقه یهودی عبارت‌اند از: ۱. کتاب مقدس؛ ۲. میشنا و تلمود؛ ۳. باریتا؛ ۴. شروح، مجموعه‌های فتاوا و قانون‌نامه‌ها. منابع غیرمکتوب نیز عبارت‌اند از: ۱. میدراش (مجموعه‌ای از قواعد و احکام که با روش تفسیری خاص، از شریعت مکتوب - یعنی کتاب مقدس - استنتاج شده‌اند)؛ ۲. تقانا و گِزرا («هلاخا»های جدیدی که بر اساس مصالح، شرایط جدید و مقتضیات زمان و مکان، توسط عالمان هلاخا وضع شده و به مجموعه احکام هلاخایی مصرح در کتاب مقدس یا مکتشف از آن اضافه می‌شوند. در این دسته، به احکام وجوبی، «تقانا» و به احکام تحریمی، «گزرا» گفته می‌شود)؛ ۳. مَعَسَه (رویه عالمان، سیره علما)؛ ۴. مینه‌هاگ (عرف)؛ ۵. سِوارا (عقل)؛ اما با توجه به پرسش مطرح‌شده و رسالت مقاله پیش رو، در این نوشتار تنها به دسته اول، یعنی منابع مکتوب پرداخته خواهد شد.

۲. منابع مکتوب

۲-۱. کتاب مقدس

کتاب مقدس یهودی نخستین و مهم‌ترین منبع مکتوب (هینلز، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۶۵) و ریشه حجیت و اعتبار کل نظام شرعی یهود است. به اعتقاد یهودیان، «مطالعه و تحصیل مطالب الهام‌آمیز کتب مقدس، تفکر درباره آنها و استنباط هر آنچه می‌توان از آنها فهمید، بزرگ‌ترین امتیاز و مهم‌ترین وظیفه یک فرد یهودی است» (کهن، ۱۳۵۰، ص ۱۴۳). یهودیان کتاب مقدس خود را «عهد» نامیده‌اند؛ زیرا بنا بر تعالیم توراتی، خدا با بنی اسرائیل پیمان بست که در صورت پیروی از دستورهای او و رعایت احکام شریعت، قوم محبوب و برگزیده خدا شوند. احکام شریعت در تورات ذکر شده است. طبق شمارش باستانی، ۶۱۳ حکم اصلی در تورات وجود دارد (Jacobs & Hirsch, 1906, v. 10, p. 220). پس از بازگشت از جلای بابل و از وقتی که عزرا موفق به بازتنظیم و بازنویسی کتاب مقدس یهودیان شد، کتاب مقدس به عنوان منبع اصلی شریعت یهود مطرح گردید و یهودیان وظیفه خود را تبعیت محض از فرامین و احکام موجود در آن می‌دانستند. تبیت از کتاب، نه تنها وظیفه، بلکه اساساً حیات و همه چیز یهودیان است و «میصوای تلمود تورا»، یعنی «تکلیف شرعی یادگیری و مطالعه تورات»، یکی از مهم‌ترین احکام شرعی در یهودیت به شمار می‌رود (سالتز، ۱۳۹۳، ص ۲۳)؛ از این رو چگونگی استفاده بهتر از کتاب، همواره از مهم‌ترین دغدغه‌های فکری یهودیان به شمار می‌رفت.

این کتاب، علاوه بر «عهد»، در میان یهودیان به «تنخ» نیز معروف است که مخفف بخش‌های سه‌گانه آن، یعنی تورات (تورا)، کتب انبیا (نویئیم) و مکتوبات (کتوئیم) است و از آنجا که حرف «ک» در زبان عبری در آخر کلمه به «خ» تبدیل می‌شود، این کلمه به «تنخ» تبدیل شده است. مهم‌ترین بخش کتاب مقدس، «تورات» است که در واقع، منبع اصلی شریعت و احکام عملی یهودی به حساب می‌آید. «تورات» واژه‌ای عبری به معنای «آموزش» (Rabinowitz & Harvey, 2007, v. 20, p. 46-39) و «هدایت» (کهن، ۱۳۵۰، ص ۵) است که گاه به غلط به معنای «قانون» یا «شریعت» تلقی و معرفی می‌شود (Scherman, 2001, v. 1, p. 164). اکنون تورات گاه برای نشان دادن کل کتاب مقدس عبری، گاه به معنای پنج کتاب اول تنخ و گاه در معنای شریعت به کار می‌رود و تقسیم تورات به شفاهی و کتبی از این باب است (<https://www.britannica.com/topic/Sefer-Torah>). در تلقی عمومی یهود، تورات کتابی است که همه آنچه را در جهان وجود دارد، پوشش داده است و گاه از آن به طرح و نقشه خدا برای ساخت جهان و دارای قلمروی چند برابر قلمرو جهان یاد می‌شود (سالتر، ۱۳۹۳، ص ۱۴۷؛ کهن، ۱۳۵۰، ص ۱۵۰). بر اساس برخی از تعالیم یهودی، تورات دو هزار سال پیش از خلقت عالم به وجود آمد (برشیت ربا، ۸: ۲) و بر اساس برخی دیگر از این تعالیم، تورات در ۹۷۴ دوره پیش از آفرینش جهان نوشته شده بود و در پناه ذات قدوس متبارک قرار داشت (آووت ربی ناتان، ۳۱).

این کتاب که از نظر یهودیان سرچشمه وحی و نبوت و مایه الهام پیامبران بعدی است، خود مشتمل بر پنج کتاب حضرت موسی علیه السلام معروف به «اسفار خمه» است که بر آن حضرت وحی شده است. اسفار پنج‌گانه عبارت‌اند از: سفر تکوین، سفر خروج، سفر لاویان، سفر اعداد و سفر تثئیه. نویسنده کتاب گنجینه‌ای از تلمود درباره اعتبار تورات می‌نویسد: «این یک عقیده دینی راسخ و مورد قبول همگان است که تمام تورات را خداوند گفته است... درباره اسفار پنج‌گانه این ایمان وجود دارد که هر کلمه آن به شکل کنونی خود از جانب خداوند الهام و به موسی املا شده است» (کهن، ۱۳۵۰، ص ۱۶۴). در میشنا آمده است: «هر آن کس که بگوید تورات از آسمان و از جانب خداوند نیست، سهمی از جهان آینده نخواهد داشت» (سنه‌درین، ۱۰: ۱).

میشنا درباره جامعیت و اهمیت تورات و ضرورت توجه دقیق و همه‌جانبه به آن نیز می‌گوید: «آن [تورات] را بارها و بارها زیرورو کنید؛ چون همه چیز در تورات آمده است. آن را در زندگی لحاظ کنید و با آن پا به سن بگذارید و هیچ‌گاه آن را به کنار ننهید؛ چون هیچ ارزش بالاتری وجود ندارد» (میشنا آووت: ۲۳). در جای دیگری از میشنا آمده است: «کسی که بر دانش خود نمی‌افزاید، باعث کاهش آن می‌شود و آن کس که [فرصت و امکان آن را دارد] و تورات را نمی‌آموزد، واجب‌القتل است» (میشنا آووت، ۱: ۱۳). در جای دیگری از میشنا نیز آمده است: «اگر تو زیاد تورات آموختی، برای خودت اهمیت زیادی قائل مشو و منت بر کسی مگذار؛ زیرا که برای همین کار آفریده شده‌ای» (میشنا آووت، ۲: ۹). این سخنان مورد توجه جدی یهودیان است و در میان آنان رواج دارد و نشان‌دهنده جایگاه و اعتبار بالای این منبع در میان ایشان است.

نکته شایان ذکر آن است که هرچند اهداف مختلفی در مطالعه تورات مورد نظر بوده و مطالعه آن نتایج و فواید مختلفی برای یهودیان دارد، اما هدف اصلی و اساسی مطالعه تورات از نظر یهودیان، نه نتایج عملی و امور اجرایی، بلکه خود «یادگیری» است (سالتز، ۱۳۹۳، ص ۲۳). هرچند در یهودیت در مقام بیان اهمیت عمل به تورات و احکام ذکر شده در آن گفته می‌شود: «هرکس به مطالعه تورات بپردازد، اما به آموخته‌های خود عمل نکند، کاش هرگز متولد نشده بود» (لاویان ۲۳: ۶)، اما هدف از مطالعه تورات، نه فقط عمل به احکام آن، بلکه پیش‌تر و مهم‌تر از آن، «شناخت تورات» است (سالتز، ۱۳۹۳، ص ۲۳-۲۴). بنابراین در فرایند مطالعه، هرگز این پرسش مطرح نمی‌شود که آیا این مطالعه فایده عملی دارد یا خیر. در یهودیت، نفس تحصیل تورات یک فریضه دینی و بخشی از مراسم پرستش خداوند و راهی برای تقرب به او به‌شمار می‌رود (هرتس، ۲۰۰۷، ص ۲۰؛ آبراهام کهن، ۱۳۵۰، ص ۱۵۳). در دعایی از تلمود که اکنون قسمتی از نماز روزانه یهودیان شده، آمده است: «مبارک هستی تو، ای خداوند خدای ما، پادشاه عالم، که ما را به وسیله فریضه‌های خود تقدیس کرده‌ای و به ما فرمان داده‌ای که به مطالعه و تحصیل مطالب تورات مشغول شویم» (پراخوت، ۱۱ ب). از نظر یهودیان، این فریضه بر دیگر فریضه‌ها تفوق دارد؛ زیرا اطلاع از فرامین خداوند باید مقدم بر انجام دادن آنها باشد (کهن، ۱۳۵۰، ص ۱۵۳-۱۵۴).

هرچند تورات از منابع اصلی فقه یهود است و یهودیان معتقدند که فقه دینی تمامی حوزه‌های زندگی را پوشش می‌دهد و تقریباً از هیچ چیزی غفلت نمی‌کند (هرتس، ۲۰۰۷، ص ۶۷)، اما آنان قلمرو تورات را از این نیز گسترده‌تر و مفهوم تورات را بسیار وسیع‌تر از مفهوم شریعت دینی می‌دانند (سالتز، ۱۳۹۳، ص ۱۴۷).

البته کتاب مقدس یهودیان (تنخ) منحصر در تورات نیست و شامل کتاب‌های فراوانی از انبیای دیگر نیز می‌شود که البته همه آنها ارشادکننده به قوانین تورات‌اند و هیچ حکم جدیدی بعد از تورات به وجود نیامده است. نسخه عبری تنخ مشتمل بر ۳۹ کتاب بوده؛ اما در نسخه یونانی آن (ترجمه سبعینیه)، که پس از فتح اورشلیم توسط اسکندر و ترویج فرهنگ یونانی انجام شد، هفت کتاب دیگر اضافه شد و مجموع کتاب‌های تنخ به عدد ۴۶ رسید. باین‌حال، در سال ۱۰۰ میلادی سران یهودی شورایی در شهر «یونه» تشکیل دادند و تنها همان ۳۹ کتاب عبری را به رسمیت شناختند و هفت کتاب دیگر را غیرقانونی اعلام کردند. هفت کتاب غیرقانونی، «پوکریفا» نام گرفتند که به معنای مخفی و پوشیده است. قوانین شریعت یهود غالباً در تورات آمده است و سایر کتب مقدس بیشتر جنبه تاریخی یا پندآموزی دارند. از نظر یهودیان، ۳۹ کتاب رسمی، همه جنبه وحیانی دارند و به نبی‌ای از انبیای الهی وحی شده و سپس توسط همان نبی یا نبی بعدی مکتوب شده است.

۲-۲. تلمود

کتاب مقدس تنها منبع شریعت نبود و بسیاری از یهودیان معتقد بودند که موسی علیه السلام علاوه بر شریعت مکتوب، سنتی شفاهی را نیز به‌یادگار گذاشته است. هر چیزی که به حضرت موسی علیه السلام وحی می‌شد، شیوه عملکرد آن هم توضیح

داده می‌شد. گاه در تورات گفته می‌شود که امری را انجام دهید؛ اما چگونگی انجام آن در تورات به‌وضوح بیان نمی‌شود؛ برای مثال، تورات می‌گوید: «ذبح کن، همان‌گونه که به تو دستور دادم»؛ اما اینکه چگونه باید ذبح کرد، در آنجا به‌وضوح بیان نمی‌شود. در این موارد باید به سنت‌هایی رجوع کرد که حضرت موسی علیه السلام به‌صورت شفاهی بیان کرده و استاد به شاگرد و پدر به فرزند منتقل نموده است. این سنت‌ها که از آن به «شریعت شفاهی» نیز تعبیر می‌شود، به‌اندازهٔ شریعت کتبی (تورات) قدمت دارد. اکنون یکی از مهم‌ترین منابع شرعی یهود، «سنت شفاهی» است که در قالب کتاب عظیمی به نام «تلمود» مکتوب شده است. امروزه تلمود به‌عنوان مکمل تورات جایگاهی رفیع در میان یهودیان دارد (هرتس، ۲۰۰۷م، ص ۸۲).

تلمود از ۴۲ دستورالعمل و حکم مذهبی که در اسفار پنج‌گانهٔ موسی علیه السلام ذکر می‌شود از آنها به‌میان نیامده، به‌عنوان احکامی یاد می‌کند که در کوه سینا شفاهاً به موسی علیه السلام تعلیم داده شده است (کهن، ۱۳۵۰، ص ۱۶۴). «تلمود» کتاب بسیار بزرگی با حدود دو میلیون و پانصد هزار واژه است که احادیث و احکام یهود و فتاوی فقیهان این قوم را دربردارد و در تعریف رسمی‌اش، خلاصه‌ای از شریعت شفاهی است که پس از قرن‌ها تلاش عالمانهٔ دانشمندان مقیم فلسطین و بابل، در آغاز قرون وسطی (با تفاسیر جدید) به‌بار نشسته است (سالتز، ۱۳۹۳، ص ۲۲). این کتاب قرن‌ها پس از کار گردآوری، در چهارچوبی منظم و با انتخاب دقیق و موشکافانهٔ واژگان و تعابیر، به‌صورت فعلی تدوین شده است. اگرچه این کتاب مراحل مختلف تألیف و آماده‌سازی را از سر گذراند، اما پیشینهٔ تاریخی آن نشان می‌دهد که تلمود برخلاف کتاب مقدس، هرگز به‌تمام نرسید و هیچ‌گاه در اعلامیه‌ای رسمی و عمومی پایان آن اعلام نشد (سالتز، ۱۳۹۳، ص ۳۸۷). اکنون تلمود که مجموع دو بخش «میشنا» و «گمارا» است (Wald, 2007, v. 19, p. 470-478)، نزد یهودیان جایگاهی رفیعی دارد و پس از کتاب مقدس، معتبرترین منبع دینی یهود به‌شمار می‌رود (هینلز، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۶۵). در این باره گفته شده است: «هنگامی که ذات قدوس متبارک در کوه سینا آشکار شد تا تورات را به ملت اسرائیل اعطا فرماید، او آن را بدین ترتیب به موسی الهام فرمود: کتب مقدسه، میشنا، تلمود و آگادا» (شموت ربا، ۴۷: ۱). در باب اهمیت تلمود، گاه از آن به «وطن منقول و قابل حمل یهود» (هاینه، هاینریش؛ ر.ک: زرین‌کوب، ۱۳۶۹، ص ۱۷۵) تعبیر می‌شود. در میشنا آمده است: «وقتی که طفل پنج‌ساله شد، باید آموختن کتاب مقدس را آغاز کند. در ده‌سالگی باید به آموزش میشنا بپردازد و پانزده‌سالگی هنگام تحصیل تلمود است» (میشنا آووت، ۵ ک: ۲۱-۲۳). آذین اشتاین سالتز، از خاخام‌های شناخته‌شدهٔ یهودی که فعالیت مادام‌العمر او در زمینهٔ آموزش یهودیان، جایزهٔ اسرائیل را که بالاترین افتخار کشورش است، به‌ارمغان آورد و در سطح بین‌المللی به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین خاخام‌های قرن حاضر و بازماندهٔ خاخام‌های بزرگ یهود شناخته می‌شود (<https://steinsaltz.org/bio>)، دربارهٔ تلمود می‌نویسد:

اگر کتاب مقدس سنگ زاویه و شالودهٔ یهودیت باشد، تلمود ستون اصلی آن خواهد بود که از فراز بنیادها سر برآورده، کل بنا و عمارت معنوی و عقلائی یهودیت را پشتیبانی می‌کند. تلمود از بسیاری جهات مهم‌ترین کتاب در فرهنگ یهودی و ستون فقرات خلاقیت و حیات ملی آن است. هیچ کتابی نمی‌توان یافت که به‌اندازهٔ تلمود بر نظریه و عمل زندگی یهودی، شکل‌دهی به محتوا و مضامین معنوی آن و ایفای نقش راهنمای رفتار، تأثیر داشته باشد (سالتز، ۱۳۹۳، ص ۲۱).

کلمه «تلمود» به معنای «آموزش»، از فعل ثلاثی عبری «لَمَد» به معنای «یاد داد» گرفته شده است و با واژه «تلمیذ» و مشتقات آن که در زبان عربی رباعی هستند، ارتباط دارد (توفیقی، ۱۳۸۹، ص ۱۱۳). هدف از نگارش تلمود، عمل به «میسوای تلمود تورا» یعنی «تکلیف شرعی یادگیری و مطالعه تورات» به عنوان یکی از مهم ترین احکام شرعی یهودی، و به تعبیر دیگر فراگیری حکمت، فهمیدن و معرفت است (سالتز، ۱۳۹۳، ص ۲۳ و ۱۴۷). تلمود تا این زمان، منبع اولیه شریعت یهود بوده و فعالیت در عرصه فقه و اجتهاد یهود بدون رجوع به تلمود و استفاده از آن ممکن نیست؛ با این حال نمی توان آن را به تنهایی مرجعی برای صدور حکم شرعی دانست (سالتز، ۱۳۹۳، ص ۲۲). با توجه به پژوهش های انجام شده (سالتز، ۱۳۹۳، ص ۲۹۲۳) می توان ویژگی هایی چنین برای تلمود برشمرد:

۱. اثری یکدست از یک نویسنده نیست؛

۲. مبتنی بر اصول سنت است؛

۳. به انتقال حجیت از نسلی به نسل دیگر اهتمام دارد؛

۴. سرتاسر آن، تا حدودی در قالب پرسش و پاسخ تدوین شده است؛

۵. شیوه برخورد آن با مسائل واقعی و مسائل کاملاً انتزاعی و غیرواقعی یکسان است؛

۶. طرح سؤال و ایجاد فرصت بازاندیشی درباره چرایی تعالیم مسلم و قطعی را تجویز کرده، از آن استقبال می کند؛

۷. از بیرون نمی توان به آن معرفتی یافت؛ بلکه معرفت و شناخت حقیقی به محتوای آن، تنها از طریق ارتباطی

روحانی به دست خواهد آمد و طلاب باید عاقلانه و با احساس، در بحث تلمودی مشارکت جویند.

تلمود از دو بخش اصلی تشکیل می شود (Wald, 2007, v. 19, p. 470-478): ۱. میشنا: کتابی حاوی هلاخا

(شریعت) که به زبان عبری نوشته شده است؛ ۲. گمارا: تفسیر میشنا به زبان آرامی - عبری.

«میشنا» کتاب شریعت و دربردارنده احکامی در تمام قلمروهای شریعت شفاهی است. این کتاب مجموعه ای

عظیم از موضوع های مربوط به نسل حکیمان قبل از یهودا هناسی است. یهودا هناسی، از برجسته ترین عالمان یهودی،

که تلاش های عالمان عصر تنائیم را به ثمری مطلوب برای یهودیان نشانده، میشنا را به عنوان کتاب و منبعی کامل و

مقدس برای هرگونه مطالعات جدید در اختیار آیندگان گذاشت و پس از او تقریباً همه مطالعات بر محور آن ادامه یافت

و عالمان یهودی پس از او بحث های خود را بر محوریت میشنا در قالب شروخی به آن ضمیمه کردند (بعد از عصر

میشنا، رساله هایی تدوین شد که نام نویسندگان آنها معلوم نیست. به این رساله ها «ملحقات میشنا» یا «رساله های

کوچک» گفته می شود که آنها نیز در مجموعه تلمود چاپ می شوند).

«گمارا» یا «تکمیل» (کهن، ۱۳۵۰، ص ۲۱) حاصل تلاش های مفسران یهودی عصر امورائیم (مفسران و شارحان)

در شرح، توضیح و تفسیر میشناس است که پس از تدوین میشنا در ۲۱۰م، تا حدود ۵۰۰م به عنوان تفسیر میشنا نوشته و

گردآوری شد. این عالمان با اینکه بر اهمیت تدوین و تبویب مطالب توسط یهودا هناسی اتفاق نظر داشتند، ضبط

موضوع‌های فرعی و توضیح و شرح مباحث میشنا را به‌عنوان کمکی برای مطالعه و تأمین اهداف مطالعه تطبیقی ضروری می‌دانستند (سالتز، ۱۳۹۳، ص ۷۱). این شروح و تفاسیر در دو منطقه فلسطین و بابل پی گرفته شد و سرانجام دو مجموعه عظیم از شروح عالمان فلسطین و عالمان بابل حاصل گشت. روش مطالعه و تحقیق جاری در این دو مرکز علمی، بر تفهیم و یادگیری میشنا متمرکز بود و تلاش می‌شد که از طریق منابع مشابه، با لحاظ کردن تمام احتمالات، تحلیلی همه‌جانبه از میشنا ارائه شود؛ اما با اینکه علمای یهود بین این دو کشور تردد داشتند و بدین‌گونه میان آنها تبادل نظر می‌شد، دارالعلم‌های مختلف این دو مرکز علم، پژوهش‌های خود را به‌طور مستقل انجام می‌دادند و از این‌رو دو دسته از آثار دربردارنده شرح و تفسیر میشنا به‌وجود آمد (کهن، ۱۳۵۰، ص ۲۱-۲۲) و سرانجام با ضمیمه کردن شروح فلسطین (گمارای فلسطینی) به میشنا «تلمود فلسطینی» و با ضمیمه کردن شروح بابلی (گمارای بابلی) به میشنا «تلمود بابلی» شکل گرفت. تدوین تلمود فلسطینی در حدود سال ۴۰۰ و تلمود بابلی در حدود ۵۰۰ میلادی به‌پایان رسید.

در خصوص تلمود باید توجه شود که اولاً این کتاب غیر از سنت شفاهی باقی‌مانده از حضرت موسی علیه السلام دربردارنده نظرات و فتاوای فقیهان و عالمان یهود نیز هست و ثانیاً غیر از شریعت (هالاخا)، مطالب دیگری (آگادا) همچون حکمت، تاریخ، حکایات و شواهدی از پیشوایان یهود و بزرگان اقوام مختلف را نیز برای تأیید مطلب دربردارد. آدین اشتاین سالتز در کتاب سیری در تلمود می‌نویسد:

برخلاف میشنا، تلمود کتابی یکسره هالاخایی نیست؛ اگرچه بدون شک مهم‌ترین و معتبرترین منبع هالاخایی است که تا کنون نوشته شده است. همه هالاخاها در تحلیل نهایی بر تلمود تکیه دارند و در هر شبهه‌ای به این کتاب رجوع شده است. به عبارت دیگر، منبع اولیه مجموعه شریعت یهودی، خود اثری شرعی نیست (سالتز، ۱۳۹۳، ص ۳۵۳).

از آنجاکه آگادا به‌راحتی قابل درک است، عامه‌پسندتر از هالاخاست و افراد بیشتر در این حوزه فعالیت می‌کنند؛ اما هالاخا به‌سبب ظرافت بیشتر و نیازش به تمرکز و دقت افزون‌تر، افراد کمتری را به حوزه خود وارد می‌کند؛ چراکه هرکسی قادر به ارج نهادن و فعالیت در این حوزه نیست. نقل شده است که ربی اباهو به همراه یکی از دوستانش به قیصریه آمد. او خود درباره آگادا سخنرانی کرد و دوستش درباره هالاخا موعظه‌ای پرمغز ایراد نمود. بسیاری از حاضران به ربی اباهو روی آوردند و تنها تعدادی اندک به موعظه هالاخایی گوش سپردند. ربی اباهو برای دلخوشی دوستش این مثل را بیان کرد: «اگر دو بازرگان وارد شهری شوند که یکی از آنها شمش طلا و دیگری کالای خرازی با خود آورده باشد، اغلب مشتریان گرد دومی حلقه خواهند زد» (سالتز، ۱۳۹۳، ص ۳۶۱-۳۶۲).

میشنا و به تبع آن تلمود، شش سدر (بخش) موضوعی دارد که مطابق با دسته‌بندی مطالب میشنا تنظیم شده و پیش رفته‌اند. هر سدر به گروهی از موضوع‌های مرتبط و هم‌جنس اختصاص دارد و هر هالاخای یهودی در یکی از این بخش‌های شش‌گانه جای می‌گیرد. با توجه به تنوع موضوع‌های جای گرفته در این سدرها، هر سدر به کتاب‌های کوچک‌تری تقسیم شده است. به کتاب کوچکی که ذیل سدر قرار دارد، «مسیخت» (رساله) می‌گویند و در مجموع، ۶۳ رساله در تلمود وجود دارد. هریک از این رساله‌ها نیز خود به فصل‌هایی (در مجموع ۵۲۳ فصل) و هر فصل به

قسمت‌هایی تقسیم می‌شوند که هر قسمت دربردارنده و بیان‌کننده هلاخایی خاص یا چند هلاخای مرتبط است (کهن، ۱۳۵۰، ص ۱۵-۱۶؛ سالتز، ۱۳۹۳، ص ۶۵-۶۶). شش سدر تلمود عبارت‌اند از (کهن، ۱۳۵۰، ص ۱۶-۱۹):

۱. سدر زراعی (بخش بذرها): این بخش به هلاخای مربوط به کشاورزی و محصولات سرزمین فلسطین، هدایای تقدیمی به کاهنان و لاویان و صدقه‌های اهدایی به فقیران اختصاص دارد. این بخش یازده رساله دارد، شامل: براخوت، پئا، دامای، کیلاییم، شویییت، تروموت، معسروت، معسرشی، حلا، عرلا و بیکوریم؛

۲. سدر موعَد (بخش تعطیلات مذهبی): در این بخش، اعیاد و روزهای یادبود یهودی معرفی و احکام آنها بیان می‌شود. این بخش مشتمل بر دوازده رساله است که عبارت‌اند از: شبات، عرووین، پساحیم، شقالیم، یوما، سوکا، بیصا، روش هشانا، تعنیت، مگیلا، موعَد قاطان و حگیگا؛

۳. سدر ناشیم (بخش زنان): این بخش درباره احکام مربوط به ازدواج و زناشویی، از خواستگاری گرفته تا احکام زنا با محارم، طلاق و مالکیت اموال بحث می‌کند و هفت رساله دارد: یواموت، گتوبت، ندراییم، نازیر، سوطا، گیطین و قیدوشین؛

۴. سدر نزقین (بخش خسارات): این بخش به بررسی احکام اموال و زبان‌ها می‌پردازد و درباره حمایت از زبان‌دیدگان در مقابل مجرمان بحث می‌کند. ده رساله در این بخش وجود دارد که عبارت‌اند از: باواقما، باوامصیعا، باوابترا، سنهدرین، مکوت، شووعوت، عدویوت، عوودازارا، پیرقه اووت و هورایوت؛

۵. سدر قداشیم (بخش مقدسات): احکام مربوط به معبد، قربانی و مقدسات دین یهود در این بخش بررسی می‌شود و یازده رساله در آن جای گرفته است، شامل: زواحیم، مناحوت، حولین، بخوروت، عراخین، تمورا، کریتوت، معیلا، تامید، میدوت و قینیم؛

۶. سدر طهاروت (بخش پاکی‌ها): در این بخش درباره احکام پاک و ناپاک و طهارت و نجاست شرعی سخن گفته می‌شود و دوازده رساله در آن قرار دارد که عبارت‌اند از: کلیم، اوهاלות، نگاعیم، پارا، طهاروت، میقواوت، نیدا، مخشیرین، زاویم، طول یوم، یادییم و عوقصین.

در مقایسه دو تلمود بابلی و فلسطینی گفتنی است: اولاً از آنجاکه مباحث فلسطینی به آموزشگاه‌های بابلی نیز انتقال می‌یافت و در آنجا تجزیه و تحلیل می‌شد، تلمود بابلی مقدار قابل توجهی از گفت‌وگوهای عالمان فلسطینی را در خود جای داده است (سالتز، ۱۳۹۳، ص ۸۹)؛ ثانیاً اگرچه دست‌مایه اولیه و اصلی هر دو تلمود و روش‌های آموزشی و پژوهشی آنها یکسان است، تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای نیز میان این دو وجود دارد (کهن، ۱۳۵۰، ص ۲۲؛ سالتز، ۱۳۹۳، ص ۹۳) که برخی از آنها عبارت‌اند از:

۱. تلمود اورشلیمی از موضوع‌هایی مانند هلاخای مربوط به فلسطین و کشاورزی آن مرز و بوم به تفصیل سخن می‌گوید؛ درحالی‌که در تلمود بابلی تقریباً هیچ سخنی از این موضوعات به میان نیامده است؛

۲. شمار حکایت‌ها در تلمود اورشلیمی بسیار اندک است؛ چراکه عالمان فلسطینی تنوین ادبیات آگادایی را ضروری نمی‌دانستند؛

۳. در چپش و سامان‌دهی موضوع‌ها و روش‌های فکری و پژوهشی، از نظر کیفیت تدوین ناهمگونی محسوسی میان دو تلمود وجود دارد؛

۴. در انشای تلمود بابلی و ورود آن به مباحث و جزئیات بیشتر، احتیاط و دقت زیادی اعمال شده است؛ برخلاف تلمود اورشلیمی که هرگز به‌طور دقیق تدوین نشد؛

۵. در تلمود بابلی یک‌سوم متن به میدراش اختصاص یافته؛ اما در تلمود اورشلیمی یک‌ششم مربوط به میدراش است؛

۶. حجم تلمود بابلی هفت یا هشت برابر تلمود فلسطینی است؛

۷. تلمود فلسطینی ۳۹ و تلمود بابلی ۳۷ رساله می‌شمارد شرح کرده است.

خصوصیات تلمود بابلی که کار تدوین آن در حدود سال ۵۰۰ میلادی به‌پایان رسید و برخی از ویژگی‌های برتر آن نسبت به تلمود فلسطینی، که فراهم‌کننده فضایی گسترده‌تر برای توسعه مباحث فکری و عقلایی است، سبب شده است که در طول قرن‌ها نظرها متوجه تلمود بابلی باشد و تلمود فلسطینی در مقایسه با تلمود بابلی همواره در رتبه‌ای پایین‌تر تلقی شود (سالتز، ۱۳۹۳، ص ۱۲۷). اساساً تعلیم تورات در مدارس بابل عمیق‌تر و کامل‌تر بود و از این‌رو می‌توان فرق و امتیاز آشکاری را نیز در گمارای تألیف‌شده در بابل مشاهده کرد (کهن، ۱۳۵۰، ص ۲۲). گائون‌ها معمولاً معتقد بودند که تلمود بابلی چون جدیدتر و تدوین آن صحیح‌تر است، دارای مزیتی دوچندان است و به همین دلیل موضوع حدود مرز اتکا بر تلمود اورشلیمی در صورت تعارض با تلمود بابلی را نیز مطرح می‌کردند (سالتز، ۱۳۹۳، ص ۳۵۷). تنها در صد سال اخیر علاقه‌هایی به تلمود فلسطینی پیدا شده است؛ اما با این حال، باز هم تلمود فلسطینی به‌عنوان منبعی دست دوم در نظر گرفته شده است (سالتز، ۱۳۹۳، ص ۹۲).

همچنین باید توجه داشت که به گفته پژوهشگران، «تلمود» به‌خودی‌خود اثر کاملی نیست و باید آن را خلاصه‌ای از خطوط اصلی و مهم گفت‌وگوهای حکیمان یهودی دانست. در واقع، اهمیت اصلی تلمود، نه به استنتاج‌های هلاخایی آن، بلکه به سبب روش‌های تحقیق و تحلیلی است که این نتیجه‌گیری‌ها از دل آن بیرون می‌آید (سالتز، ۱۳۹۳، ص ۹۳). یکی از نکات قابل توجه آن است که تدوین غیروشمند تلمود موجب شده است که مطالعه آن حتی برای بااستعدادترین عالمان دشوار و فهم هر بخش از آن مستلزم سطح خاصی از شناخت قبلی باشد (سالتز، ۱۳۹۳، ص ۱۰۶). راه‌حل، مراجعه به حواشی، شروح و تفسیرهای تلمودی است. آدین اشتاین سالتز در خصوص روش معیار برای مطالعه تلمود می‌نویسد:

روش معیاری برای مطالعه تلمود عبارت است از بهره‌گیری از کاتب‌های تفسیری بزرگ و کلاسیک، شرح و توضیح‌هایی که بر این تفسیرهای نگاشته شده، و نیز تفسیرهایی که بر همین شرح‌ها نوشته شده‌اند و در نسل‌های بعدی به «ملحقات کمکی» (Arms Bearers) شهرت یافتند (سالتز، ۱۳۹۳، ص ۱۱۷).

پژوهشگران با مراجعه به شروح (پروشیم) و حواشی یا نوولی (حیدوشیم) تلاش می‌کردند به فهم درست مطالب و عبارات تلمود دست یابند و تعارضات درونی آثار تلمودی را حل و رفع کنند. کتاب‌های تفسیری متعددی برای فهم

بهتر تلمود و درک بیشتر عبارات آن وجود دارد. بعضی از این تفاسیر که توسط عالمان یهودی سنت سفاری (شمال آفریقا و اسپانیا) نگارش یافته‌اند، عبارت‌اند از:

۱. تفسیر تلمود، نوشته رَبی حَنَنِل بن حُوشی، اهل قیروان در شمال آفریقا. این تفسیر بسیار موجز است و ضمن پرهیز از پرداختن به جزئیات، می‌کوشد تا نکات مهم را ضبط کرده، توضیحات ضروری را برای واژه‌ها و اصطلاحات بیان کند؛
۲. تفسیر تلمود به نام «مَفْتِیح مَعْوَلَه هَتلمود» (کلیدی برای قفل‌های تلمود)، نوشته رَبی نیسیم گائون. این مفسر نیز همان شیوه مفسر معاصر خود رَبی حَنَنِل را در پیش گرفت؛ اما منسجم‌تر بود و به شرح گزیده‌هایی از سوگیاها نیز پرداخته است؛

۳. تفسیر میشنا (عبری: پیروش همیشنايوت)، نوشته موسی بن میمون؛

۴. آثار رَبی مئیر ابوالعافیه؛

۵. آثار ربنو موسی بن نحمان (رَمان)؛

۶. آثار شلوموبن اَدِرِت (رَشبا).

در سنت اَشکَنازی (ایتالیا، فرانسه و آلمان) نیز آثاری در زمینه تفسیر تلمود تولید شده است که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. تفسیر رَبنو گرشوم. این اثر تفسیر مختصری بر رساله‌های مختلف تلمود است؛

۲. تفسیر رَبی شلومو ییصحاق (سلیمان بن اسحاق) معروف به راشی. راشی بزرگ‌ترین شارح و مفسر تلمود است و تفسیر او با وضوح کامل نوشته شده. راشی تقریباً به هر جمله‌ای از تلمود می‌پردازد و واژگان دشوار را شرح می‌دهد و هر موضوعی را با افزودن نکات تکمیلی و گاه پیشینه آن تشریح می‌کند. از این رو ویژگی نادر این تفسیر، قابل فهم بودن آن، هم برای دانشمندان و هم برای افراد عادی است. باین حال، تفسیر او نیز بسیار موجز بوده و این ضرب‌المثل را بر سر زبان‌ها انداخته است که: «در زمان راشی، هر قطره دوات یک سکه طلا می‌ارزید!» (سالتز، ۱۳۹۳، ص ۱۱۰)؛

۳. آثار موسوم به «توسافوت» (ضمائم). مجموعه توسافوت اثری جمعی است که دانشمندان فرانسه و آلمان در طی دو قرن دوازدهم و سیزدهم آفریده‌اند و در واقع، اضافات و ضمائم برای تفسیر راشی هستند که با هدف تکمیل کار او نوشته شدند (کهن، ۱۳۵۰، ص ۲۲)؛

۴. کتاب پَت هَیحیرا، نوشته رَبی شلوموبن مَنَحِم، معروف به همییری. غیر از تفاسیر پیشین، آثار دیگری در منطق اشکنازی‌ها پدید آمد که برخی از آنها، در واقع جمع دو سبک سفاردی و اشکنازی و راه میانه‌ای بین آن دو به‌شمار می‌آیند. کتاب پَت هَیحیرا، نوشته رَبی شلوموبن مَنَحِم، معروف به همییری، عالی‌ترین دستاورد این سبک است؛

۵. تفسیر تلمود، نوشته مئیر اهل لوبلین. این اثر تفسیری جامع است که تا حد زیادی شرح و توضیح موضوع‌های دشوار در تلمود و توسافوت (ضمائم) است. روش مئیر ساده بوده و تفسیرش به راحتی قابل فهم است؛

۶. تفسیر تلمود، نوشته ربی سلیمان (شلومو) لوریا، معروف به مهارشال. این تفسیر روشی کاملاً متفاوت دارد؛ تفسیرهایش معمولاً بسیار کوتاه است و درباره مسائل مختلف متنوعی که احکام مبهمی را مطرح می‌سازند، بحث می‌کند؛

۷. تفسیر حیدوش آگادوت و هلاخوت (داستان‌های بلند درباره آگادا و هلاخا)، اثر ربی شموئل الیزار ادلز، معروف به مهارشا. این اثر مهم‌ترین و مؤثرترین تفسیر در میان آخرین تفسیرهای تلمود به‌شمار می‌آید و علاوه بر هلاخا به عنصر آگادایی در تلمود هم پرداخته است.

استفاده از این تفاسیر می‌تواند به‌میزان زیادی به پژوهشگران کمک کند که بتوانند با هلاخاهای یهودی موجود در تلمود و فهم بهتر آنها آشنا شوند.

۲-۳. باریتا

هرچند تلمود، که شامل میشنا و گمارا می‌شود، از جایگاهی رفیع در میان منابع یهودی برخوردار است، اما اگر تنها از میشنا و گمارا استفاده شود، امکان نخواهد داشت که بتوان به‌صورت جامع و صحیح از تعالیم یهودی آگاهی یافت؛ زیرا تلمود تنها قسمتی از ادبیات تلمودی است (کهن، ۱۳۵۰، ص ۲). باریتا (بریتوت) معروف به آموزه‌های بیرونی، به هلاخاهای مجزاً و نوشته‌های دربردارنده موضوع‌های تنائیمی خارج از میشنا گفته می‌شود که در میشنا مورد بحث قرار نگرفته بودند (سالتز، ۱۳۹۳، ص ۷۲؛ کهن، ۱۳۵۰، ص ۲۱). میشنا که عمده به‌صورت فشرده نوشته شده بود، کل قانون شفاهی را دربر می‌گرفت؛ اما بخش‌ها و جزئیاتی از آن قوانین در میشنا آورده نشده بود که بعدها در قالب توضیحات اضافی، روشنگری‌ها و احکام، و با نام «باریتا» و اغلب به‌صورت فهرستی از تعالیم یک حکیم، گردآوری شد. بنابراین، مطالب باریتا بخش دیگری از سنت‌های شفاهی باستانی قوانین دینی یهود است که در میشنا گنجانده نشده بودند؛ اما امروزه آنها را مطرح کرده است (https://www.britannica.com/topic/human-body-systems-2237111). مجموعه‌های باریتا چون خارج از میشنا هستند و گاهی دیدگاهی مخالف با آن دارند، اعتبار منابع رسمی همچون کتاب مقدس و تلمود را ندارند. بخشی از مطالب باریتایی به‌صورت جداگانه در سراسر تلمود فلسطینی و اغلب با کلمات مقدماتی مانند «آموزش داده شد» یا «خاخام تعلیم داد» قابل تشخیص‌اند. بحث اغلب با نقل یک باریتا که به ظاهر نظر دیگری درباره حکم مورد بحث دارد، آغاز می‌شود و هوشمندی و زیرکی فراوانی برای هماهنگ ساختن آن دو نظر به‌کار می‌رود (کهن، ۱۳۵۰، ص ۲۱). بخش دیگری از باریتا نیز در مجموعه‌هایی مستقل جمع‌آوری شده‌اند که شناخته‌شده‌ترین آنها میدراش‌های هلاخایی و توسفتا نام دارد.

الف) میدراش‌های هلاخایی (میدراشه هلاخا): این مجموعه متعلق به ربی نحیمیا از شاگردان ربی عقبوا و حاوی شرح و توضیحات تنها بر چهار سفر از اسفار پنج‌گانه (خروج، لاویان، اعداد و تثنیه) است که عمدتاً در پی استنتاج هلاخا از تورات و گاه دربردارنده آگادا است. میدراشه هلاخا (تفسیرهای هلاخایی) رابطه بین قوانین شفاهی و کتبی را تبیین می‌کند (سالتز، ۱۳۹۳، ص ۷۲). معروف‌ترین این میدراش‌ها عبارت‌اند از: «مخیلتا» از ربی ایشماعل بن الیشاع

بر سفر خروج؛ «سیفرا» بر سفر لاویان؛ «سیفره» بر سفر اعداد و «سیفره» بر سفر تثنیه. این میدراش‌ها عمدتاً در قرن دوم و سوم میلادی، هم‌زمان با میشنا، نوشته شده‌اند؛

ب) توسفتا (در لغت به معنای «اضافی»، «ضمیمه» و «متمم»): توسفتا مجموعه‌ای از باریتاهای تثابیم است که عالمان عصر میشنا آنها را در قالب شرح و توضیح میشنا نوشته‌اند. توسفتا از نظر شکل و محتوا با میشنا مشابهت دارد و هر رساله میشنا یک رساله مشابه در توسفتا نیز دارد (به‌جز استثنائاتی اندک)؛ اما حجم آن تقریباً چهار برابر میشناست و گاه موضوعات جدیدی غیر از موضوعات میشنا را مورد بحث قرار می‌دهد. توسفتا اکثراً حاوی مطالب اثباتیه‌ای است که از میشنا حذف شده‌اند (کهن، ۱۳۵۰، ص ۲۰). این منبع مانند میشنا در اصل یک مجموعه هلاخایی است و مطالب آگادایی آن اندک است. درباره نویسندگان، زمان دقیق تدوین و ابعاد دیگر آن نیز اختلافاتی وجود دارد.

۲-۴. شروع، مجموعه‌های فتاوا و قانون‌نامه‌ها

با کامل شدن تلمود، دوره جدیدی از خلق آثار مکتوب فقه یهودی آغاز شد و علاوه بر تدوین شروح و حواشی تلمود - که پیش از این بدان‌ها اشاره گشت - مجموعه‌هایی از فتاوای عالمان یهودی نیز جمع‌آوری و عرضه شد. عالمان یهودی و متخصصان هلاخا در مواجهه با استفتا و پرسش‌های شرعی یهودیان، پاسخ‌هایی می‌دادند که بعضی از آنها در شکل مجموعه‌های فتاوا (شیلوت او - تشووت) عرضه شد. این فتاوا تقریباً شامل سیصد هزار حکم می‌شوند (سلیمانی، ۱۳۸۴، ص ۵۶). همچنین آثاری مشتمل بر قوانین برگرفته از احکام مذکور در منابع یادشده به‌وجود آمد که «قانون‌نامه» نامیده شد. به چند نمونه مهم از این آثار اشاره می‌شود:

۱-۲-۴. آثار دوره گائونی

گائون‌ها نخستین عالمانی بودند که به شرح قوانین و احکام تلمود پرداختند و نتایج مباحثات خود را درباره مطالب تلمود در ترتیبی منطقی مدون ساختند. سفر هشیلوت، اثر راواحای گائون، از نخستین آثاری است که در نیمه نخست قرن هشتم با همین رویکرد تولید شده است. قدیمی‌ترین نمونه کلاسیک «کتاب‌های هلاخوت» کتابی به نام «هلاخوت پسوقوت» است که توسط یهودای بن‌نحمان نوشته شد. اثری دیگر به نام «هلاخوت گدولوت» نیز در اوایل سده نهم توسط ربی شمعون قایرا و با رویکرد تنظیم موضوعی احکام شریعت یهودی و اتخاذ رأی پدید آمد (فلدمن، ۱۳۸۴، ص ۹۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۶۰۶).

۲-۴-۲. الفاسی

در دوره ریشونیم، مهم‌ترین آثار در زمینه قانون‌نامه‌نویسی در شریعت یهودی تولید شد که قانون‌نامه اسحاق اهل فاس (واقع در شمال آفریقا)، معروف به «الفاسی»، از ماندگارترین آنهاست. در این اثر با تبعیت از فصل‌بندی تلمود، نظرات منتهی به رأی شرعی عالمان یهودی مطرح ارائه شده است (فلدمن، ۱۳۸۴، ص ۹۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۶۰۷).

۳-۴-۲. راشی و توسافوت

شرح تلمود سلیمان بن اسحاق، معروف به راشی، که در قرن یازدهم میلادی نگاشته شد، مورد اقبال فروان قرار گرفت و اهمیت بسیاری پیدا کرد. توضیحات راشی که با تسلط همه‌جانبه او بر تمام نوشته‌های تلمودی به شیوه‌ای رسا بیان شده بود، مبنایی برای شرح عظیم تلمود شد. او در اثر خود، ماهیت استدلال‌های تلمودی و کارایی آنها را نشان می‌دهد. اثر او رازگشای خوبی برای عبارات تلمود بود و از همان زمان به متن درسی تبدیل شد. بعد از رواج راشی، عالمان فرانسوی و آلمانی تحت تأثیر این اثر، مجموعه‌ای عظیم از شرح‌های تلمود بابلی را پدید آوردند. این مجموعه «توسافوت» (ضمایم) نام گرفت و در کنار متن گمارا (تفسیر میشنا) در تلمود به چاپ رسید. توسافوت اثری فراتر از یک شرح صرف بود. ربنوتام (ربی یعقوب بن میئر، اهل رومرو و نوه راشی) را می‌توان آغازگر توسافوت دانست (فلدمن، ۱۳۸۴، ص ۹۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۶۰۷).

۴-۴-۲. میسنه تور

هم‌زمان با شرح و تفسیر تلمود، موسی بن میمون، معروف به «رامبام» (۱۱۳۵-۱۲۰۴م)، کوشید تا خلأ وجود قانون‌نامه‌ای دقیق و نظام‌مند را با تدوین کتابی جامع و معتبر در این زمینه پر کند. او توانست با تدوین کتاب میسنه تور در این زمینه، بزرگ‌ترین اثر هلاخایی را تولید کند. میسنه تور به معنای تورات دوم بوده و از این رو چنین عنوانی بر آن نهاده شده است. به گفته او در مقدمه کتاب، «اگر کسی شریعت مکتوب و سپس این کتاب را بخواند، همه شریعت شفاهی را خواهد آموخت و نیازی به رجوع به کتاب دیگر ندارد». این کتاب که به عنوان یک راهنمای کوتاه، کامل و کاربردی، همه شریعت تلمودی را دربردارد، دارای ساختاری منظم در چهارده بخش اصلی است و رجوع به مطالب مختلف آن بسیار آسان است. برخی از عالمان در عصر ابن میمون یا بعد از او تلاش کردند تا کاستی‌های کتاب وی در زمینه منابع و ارجاعات، ایرادات ابن داوود، دیدگاه‌های عالمان فرانسوی آلمانی و مانند آن را برطرف کنند و علاوه بر آن، شروح، اضافات و تکمله‌های متعددی بر آن زده شد. میسنه تور همچنان یکی از مهم‌ترین منابع فقهی و قانونی یهودی به شمار می‌آید (فلدمن، ۱۳۸۴، ص ۹۸-۱۰۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۶۰۸).

۵-۴-۲. قانون نامه آشری

در قرن سیزدهم، عالمی یهودی به نام ربی آشربن یحیئل (۱۲۵۰-۱۳۲۷م)، معروف به «آشری» یا «رُش» و مقیم اسپانیا، هلاخوت تلمود را به شیوه الفاسی تلخیص کرد و در آن، اندیشه‌های عالمان بزرگ بعدی مانند ابن میمون و توسافوت‌نویسان را نیز مورد توجه قرار داد. اثر وی به سبب داشتن ویژگی‌های آموزشی به سرعت مورد اقبال قرار گرفت و به یکی از قانون‌نامه‌های مهم تبدیل شد (فلدمن، ۱۳۸۴، ص ۱۰۰-۱۰۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۶۰۹).

۶-۴-۲. ارباعا طوریم

از زمان ابن میمون، هم‌زمان با گسترش مطالعات در باب شریعت، اختلاف دیدگاه‌ها به مباحث زیادی راه یافت و تدوین کتابی برای صادر کردن رأی قاطع در مسائل جدید، ضروری شد؛ از این رو یعقوب بن آشرفرزند آشری با الگوگیری از

میسنه تور، کتابی به نام *ارباعا طوریم* (معروف به طور) تدوین کرد که به مهم‌ترین قانون‌نامه پس از کتاب ابن‌میمون مبدل شد. این کتاب تا تدوین شولحان عاروخ در دو قرن بعد، کتاب مرجع در شریعت یهودی به‌شمار می‌آمد. نام «ارباعا طوریم» از آیات کتاب مقدس (خروج ۲۸: ۱۷) اتخاذ شده و به‌معنای «چهار ردیف» است که به تقسیم کتاب به چهار بخش یا ردیف اشاره دارد. در ردیف اول این کتاب، یعنی «لورح حییم» (طریق زندگی) به قوانین اعیاد، روز شنبه، دعا‌های روزانه و مانند آن پرداخته شده است. ردیف دوم، یعنی «یوره دعا»، مشتمل بر مسائل مربوط به غذا‌های حرام و حلال و نیز نذر‌ها و مقررات طهارت است. ردیف سوم، «اون هاعزر»، دربردارنده مسائل مربوط به روابط جنسی، ازدواج، طلاق و مانند آن است. در ردیف چهارم، «حوشن همیشپا» مباحث مربوط به قوانین مدنی و جزایی، مالکیت، ارث و غیره مطرح شده است. کتاب *طور* در همان زمان حیات مؤلف جایگاه خود را به‌عنوان قانون‌نامه معیار پیدا کرد و جانشین بسیاری از آثار دیگر شد. آثار بعدی نیز ساختار و شیوه چینش مطالب خود را بر اساس ترتیب مطالب *طور* تنظیم کردند (فلدمن، ۱۳۸۴، ص ۱۰۳-۱۰۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۶۰۹).

۷-۲-۴. شولحان عاروخ

با پدید آمدن عرف‌های جدید و کاهش نیروی سنت به سبب اخراج یهودیان از اسپانیا و پرتغال در اواخر سده پانزدهم و پراکندگی آنان در سرزمین‌هایی مانند ترکیه، هلند، آسیای صغیر و فلسطین، نیاز به تدبیری جدی برای استوار ساختن نظام شرعی یهود پیدا شد. در این راستا، عالم و عارف بزرگ یهودی به نام یوسف قارو (جوزف کارو) پس از بیست سال بررسی و مطالعه دقیق عبارات *طور*، کتاب بیت یوسف را به رشته تحریر درآورد. او سپس با صرف دوازده سال دیگر و استفاده از دستاوردهای الفاسی، ابن‌میمون و آشری، بیت یوسف را بازنگری و خلاصه کرد. حاصل این تلاش، کتابی به نام *شولحان عاروخ* به‌معنای «سفره مرتب» در سال ۱۵۶۴م شد که با وجود مواجه شدن با انتقادهایی از سوی سلیمان‌بن‌لوریا و دیگران با ادعای دور شدن آن از تلمود و وجود کاستی‌هایی در آن در زمینه اعمال و آداب اشکنازی‌ها (یهودیان لهستانی - آلمانی)، به‌عنوان اثری مهم در شریعت یهودی ماندگار شد. موسی ایسرلس اهل لهستان با تدوین کتابی به نام *مپا* (رومیزی) و سلیمان‌بن‌لوریا با نگارش قانون‌نامه‌ای دیگر کوشیدند تا نواقص یادشده را جبران کنند. *شولحان عاروخ* تنها به احکام شرعی ثابت می‌پردازد و به تلمود کوچک شهرت یافته است. این کتاب مجموعه‌ای مختصر از قوانین شرعی یهود است که می‌توان از آن به توضیح المسائل یا آیین‌نامه مذهبی یهودیان تعبیر کرد (فلدمن، ۱۳۸۴، ص ۱۰۶-۱۰۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۶۰۹).

۸-۲-۴. آثار پس از شولحان عاروخ

پس از انتشار *شولحان عاروخ* دوره جدیدی آغاز شد و عالمان یهودی آن دوران ملقب به *آحرونیم* (مراجع متأخر)، ضمن پذیرش این کتاب به‌عنوان کتاب معیار، به شرح و تفسیر آن اهتمام ورزیدند. سیفته کوهن اثر ربی شبتای‌بن‌مئیر هکوهن و *طوره زهاو* اثر داوودبن‌سموئیل هلوی از مهم‌ترین این آثار هستند که مقبولیت لازم را در جامعه دینی

کسب کردند و در نهایت در حاشیهٔ *شولحان عاروخ* به چاپ رسیدند. کتاب راهنمایی مشتمل بر قوانین روزانه برای مردم عادی نیز با عنوان *قیصور (خلاصه) شولحان عاروخ* توسط ربی سلیمان کنز فرید تدوین شد (فلدمن، ۱۳۸۴، ص ۱۰۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۶۱۰).

نتیجه گیری

با مروری بر آنچه دربارهٔ منابع مکتوب فقه یهود گفته شد، می توان به جایگاه و اهمیت این منابع در تدوین و تفسیر احکام و قوانین دینی یهودیان پی برد. کتاب مقدس یهودیان، به ویژه بخش تورات آن، به عنوان نخستین و مهم ترین منبع مکتوب فقه و شریعت یهودی، نقشی بنیادین در تعیین احکام دینی و اخلاقی ایفا می کند. تورات، نه تنها به عنوان منبع اصلی احکام شرعی، بلکه به عنوان مرجعی برای تفسیر و تحلیل مسائل اخلاقی و اجتماعی نیز مورد استفاده قرار می گیرد. این منبع به دلیل قدمت و اهمیت تاریخی خود، همچنان یکی از منابع اصلی و معتبر در فقه یهودی و فصل الخطابی در بحث ها شمرده می شود. تلمود نیز با دو بخش میشنا و گمارا، که به عنوان مجموعه بسیطی از سنت های شفاهی جایگاهی ویژه در فقه یهود دارد و با ارائهٔ شروح و تفسیرهای دقیق از میشنا، به تکمیل و بسط احکام دینی کمک می کند، منبعی معتبر برای تحقیق و مطالعه در حوزه فقه یهودی به شمار می آید. تحلیل تطبیقی میان تلمود بابلی و فلسطینی نیز نشان می دهد که تلمود بابلی به دلیل دقت و جامعیت بیشتر، همواره مورد توجه بیشتر عالمان یهودی قرار گرفته است. باریتاها به عنوان مکمل تلمود شمول بیشتری به فقه یهود می بخشند. باریتاها که به صورت جداگانه از میشنا و تلمود جمع آوری شده اند، اطلاعات و تفاسیر بیشتری را فراهم می کنند که برای فهم جامع تر احکام دینی ضروری اند و در این میان، میدراش های هالاخایی و توسفتا از جمله مهم ترین باریتاها هستند که نقش بیشتری در تبیین و تفسیر احکام فقهی دارند. مجموعه های فتاوا و قانون نامه ها نیز که به طور جامع و نظام مند احکام و قوانین دینی را توضیح می دهند، از جمله منابع بعدی به لحاظ اعتبار و اهمیت برای عالمان دینی و پژوهشگران شمرده می شوند.

منابع مکتوب فقه و شریعت یهودی با تنوع و گستردگی خود، نه تنها در تدوین احکام دینی اهمیت دارند، بلکه نقش مهمی در حفظ و انتقال سنت ها و فرهنگ یهودی ایفا می کنند. این منابع به عنوان اسناد تاریخی و دینی، برای پژوهشگران و عالمان دینی ارزشمند و انکارناپذیدند. منابع فقهی یهودی به دلیل ارتباط نزدیک با زندگی روزمره و مسائل اجتماعی، تأثیری عمیق بر جامعه یهودی دارند و همچنان در تفسیر و اجرای احکام دینی به کار می روند. تحلیل مقایسه ای منابع فقه و شریعت یهودی نشان می دهد که کتاب مقدس، به ویژه تورات، اصلی ترین و بنیادین ترین منبع فقه و شریعت یهودی است و بخش تورات آن، نه تنها شامل احکام و دستورهای دینی است، بلکه پایه و اساس اعتقادات و اعمال دینی یهودیان را نیز تشکیل می دهد و دارای اعتبار و قدسیت بسیار بالایی در میان یهودیان است. تلمود را باید دومین منبع مهم فقه یهودی و مکمل تورات دانست. این منبع برای پژوهش و مطالعه در حوزه فقه یهودی منبعی بسیار معتبر و برای عالمان دینی و فقیهان یهودی مرجعی قابل اتکا شمرده می شود.

اما باریتاه‌ها، که در واقع مکمل تلمودند، به‌اندازه تلمود و کتاب مقدس از اعتبار و حجیت برخوردار نیستند؛ اما نقش مهمی در تفسیر و توضیح احکام دینی دارند. باریتاه‌ها اطلاعات و تفاسیر اضافی را فراهم می‌کنند که برای فهم جامع‌تر احکام دینی ضروری‌اند. در واقع، این منابع به‌عنوان ابزارهای تکمیلی برای تفسیر و تحلیل احکام می‌شنا و تلمود عمل می‌کنند و به پژوهشگران کمک می‌کنند تا به بررسی دیدگاه‌های مختلف بپردازند. شروح و مجموعه‌های فتاوا و قانون‌نامه‌ها نیز در رتبه بعدی قرار دارند و آثار عالمان بزرگی مانند راشی، الفاسی و ابن‌میمون نقش مهمی در تفسیر و توضیح متون دینی ایفا می‌کنند. قانون‌نامه‌ها نیز مانند می‌شنه *تورا* و *شولحان عاروخ*، به دلیل ساختار دقیق و جامع خود، در فقه یهودی مورد توجه و قابل استنادند. این منابع، مجموعه‌های فتاوا (که پاسخیابی به استفتاهای شرعی‌اند) و قانون‌نامه‌ها (که مجموعه‌های مدون و منظم احکام دینی‌اند)، بیشتر به‌مثابه راهنماهای عملی برای عالمان دینی و پیروان یهودی عمل می‌کنند.

در نهایت می‌توان گفت که هریک از این منابع نقش منحصربه‌فردی در فقه و شریعت یهودی ایفا می‌کنند. کتاب مقدس به‌عنوان منبع اصلی و بنیادین، تلمود به‌عنوان مکمل و تفسیرکننده احکام، باریتاه‌ها به‌عنوان منابع تکمیلی، و شروح و قانون‌نامه‌ها به‌عنوان منابع تفسیری و عملیاتی، همگی در کنار هم به تدوین و تفسیر دقیق و جامع احکام دینی یهودی کمک می‌کنند. هریک از آنها با توجه به زمان و مکان نگارششان، به توسعه و تبیین دقیق‌تر فقه یهودی پرداخته‌اند و همچنان به‌عنوان منابعی قابل توجه و معتبر در این حوزه مورد استفاده قرار می‌گیرند.

منابع

- کتاب مقدس (۲۰۰۲م). لندن: ایلام.
- ابن شهید ثانی، حسن بن زین الدین (۱۳۹۰). *معالم الدین و ملاذ المجتهدین*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. بیروت: دار صادر.
- سالتز، آدین اشتاین (۱۳۹۳). *سیری در تلمود*. ترجمه باقر طالبی دارابی. قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.
- توفیقی، حسین (۱۳۸۹). *آشنایی با ادیان بزرگ*. تهران: سمت.
- هاشمی شاهرودی، سیدمحمود (۱۴۲۳ق). *موسوعة الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البیت*. جمعی از پژوهشگران زیر نظر آیت‌الله شاهرودی. قم: مؤسسه دایرةالمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع).
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۶۹). *در قلمرو وجدان: سیری در عقاید ادیان و اساطیر*. تهران: علمی.
- سلیمانی، حسین (۱۳۸۴). *چشم‌انداز حقوق یهودی*. در: *عدالت کیفری در آیین یهود*. قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۷ق). *العدة فی اصول الفقه*. قم: محمدتقی علاقندیان.
- فلدمن، دیوید ام. (۱۳۸۴). *ساختار حقوق یهود در عدالت کیفری یهود*. در: *عدالت کیفری در آیین یهود*. قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
- کهن، آبراهام (۱۳۵۰). *گنجینه‌ای از تلمود*. ترجمه امیرفریدون گرگانی و امیرحسین صدری پور. تهران: یهودا حی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۵). *دایرةالمعارف فقه مقارن*. با همکاری جمعی از اساتید و محققان حوزه علمیه قم. قم: مدرسه الامام علی بن ابیطالب (ع).
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۸۹). *صحیفه امام*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ع).
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۴۲۶ق). *الاجتهاد والتقلید*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ع).
- هرتس، جوزف هرمن (۲۰۰۷م). *خلاصة الفکر اليهودی عبر العصور*. ترجمه فرید یلوز. جبیل (لبنان): دار مکتبة بیبلیون.
- هینلز، جان راسل (۱۳۸۵). *راهنمای ادیان زنده*. ترجمه عبدالرحیم گواهی. قم: مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- Holy Bible. (2002). London: Elam.
- Feldman, D. M. (2005). Jewish Legal Structure in Criminal Justice. In Criminal Justice in Judaism. Qom: Center for Religious Studies and Research.
- Hashemi Shahrudi, S. M. (2002). Encyclopedia of Islamic Jurisprudence According to the School of Ahl al-Bayt. Compiled by researchers under the supervision of Ayatollah Shahrudi. Qom: Islamic Jurisprudence Encyclopedia Foundation on the School of Ahl al-Bayt.
- Hertz, J. H. (2007). Jewish Thought Throughout the Ages. Translated by Farid Yeluz. Jbeil (Lebanon): Dar Maktabat Bibliion.
- Hinnells, J. R. (2006). Guide to Living Religions. Translated by Abdul Rahim Gavahi. Qom: Center for Printing and Publishing of Islamic Propaganda Office of Qom Seminary.
- Ibn Manzur, M. b. M. (1993). Arabic Language. Beirut: Dar Sader.
- Ibn Shahid Thani, H. b. Z. (2011). Landmarks of Religion and Refuge of Jurists. Qom: Islamic Publications Office.
- Kohen, A. (1971). A Treasury of Talmud. Translated by Amir Fereydoun Gorgan and Amir Hussein Sadri Pour. Tehran: Yehuda Hai.
- Makarem Shirazi, N. (2006). Comparative Jurisprudence Encyclopedia. In collaboration with professors and researchers of Qom Seminary. Qom: Imam Ali ibn Abi Talib School.

- Mousavi Khomeini, R. (2005). *Ijtihad and Taqlid*. Tehran: Organization for Publishing and Organizing Imam Khomeini's Works.
- Mousavi Khomeini, R. (2010). *Imam's Collection*. Tehran: Organization for Publishing and Organizing Imam Khomeini's Works.
- Saltz, A. E. (2014). *Journey Through the Talmud*. Translated by Baqer Talebi Darabi. Qom: University of Religions and Denominations.
- Soleimani, H. (2005). *Jewish Law Perspective*. In *Criminal Justice in Judaism*. Qom: Center for Religious Studies and Research.
- Tavafi, H. (2010). *Introduction to Major Religions*. Tehran: Samt Publishing.
- Tusi, M. b. H. (1996). *The Equipment for Jurisprudence Principles*. Qom: Muhammad Taqi Alaqbandian.
- Zarrinkoub, A. H. (1990). *In the Realm of Conscience: A Journey Through Religious Beliefs and Myths*. Tehran: Scientific Publishers.

English

- Jacobs, Joseph & G. Hirsch, Emil (1906). PROSELYTE. in: *Jewish Encyclopedia*. V10. New York & London: Funk & Wagnalls cpmpany.
- Rabinowitz, Louis; Harvey, Warren (2007). Torah. In: *Berenbaum, Michael; Skolnik, Fred, Encyclopedia Judaica*. Vol.20 (2nd ed.) Detroit: Macmillan Reference.
- Scherman, Nosson (2001). *Tanakh*. Vol. I: The Torah (Stone ed.). New York: Mesorah Publications.
- Wald, Stephen G. (2007). Talmud. *Encyclopedia Judaica*. (2nd ed.) Michael Berenbaum. U S A: Macmillan Reference. Jerusalem: Keter Publishing House, Thomson Gale.
- <https://www.britannica.com>.
- https://www.sefaria.org/Avot_DeRabbi_Natan.
- https://www.sefaria.org/Bereshit_Rabbah.
- https://www.sefaria.org/Mishnah_Sanhedrin.
- https://www.sefaria.org/Pirkei_Avot.
- <https://steinsaltz.org/bio>.